

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه درس:

روانشناسی رشد ۱

(از لقاح تا کودکی)

فصل اول

تاریخچه نظریه

وراهبرد های پژوهشی

✓ رشد پیوسته است یا ناپیوسته؟

رشد:

فرایند افزودن تدریجی مهارت های یکسانی که از همان آغاز وجود داشته اند.

کودکان مینیاتور بزرگسالی اند . شبیه بزرگسالان می اندیشند.

پیوسته: تدریجی و یکنواخت است.

ناپیوسته: مرحله ای و ناگهانی و بعضی مواقع کند است.

اما در رشد ناپیوسته کودکان منحصر به فرد هستند.

فرایندی که به موجب آن روش های تازه و متفاوت درک کردن دنیا و پاسخ دادن به آن در زمان های خاص پدیدار می شوند.

رشد ناپیوسته = مرحله ای ← مرحله عبارت است از تغییر کیفی در تفکر ،

احساس و رفتار کردن که دوره های خاص رشد را مشخص می کند ← تغییر ناگهانی است.

رشد یک دوره دارد یا چند دوره ؟

✓ تاثیر نسبی طبیعت و تربیت :

➤ نظریه های ثبات خصوصیات از کودکی تا بزرگسالی از وراثت و طبیعت دفاع می کنند.

➤ نظریه های انعطاف پذیری از نقش تربیت پیروی می کنند.

➤ رشد به صورت سیستمی پویا :

فرایندی که پیوسته جریان داشته و از لقاح تا مرگ گسترش دارد و شبکه پیچیده تأثیرات زیستی ، روانشناختی و اجتماعی آن را شکل می دهد.

رویکرد اصلی سیستم های پویا دیدگاه عمر است

رشد به صورت درختی است.

چهار فرض این دیدگاه گسترده را تشکیل می دهد که عبارتند از :

(۱) رشد دایمی است.

(۲) چند بعدی و چند جهتی است.

(۳) انعطاف پذیر است.

(۴) چندین نیروی تأثیرگذار با هم بر آن تأثیر دارند.

✓ عوامل تأثیرگذار بر رشد:

(۱) تأثیرات مربوط به سن

(۲) تأثیرات مربوط به تاریخ

تأثیرات تاریخی به ما می گوید که چرا افرادی که تقریباً در یک دوره به دنیا آمده اند (هم دوره) شباهتهایی با هم دارند که آنها را از کسانی که در دوره های دیگر به دنیا آمده اند متمایز می کند.

✓ جان لاک: رشد پیوسته ، چند دوره ای ، طرفدار تربیت

کودک را به صورت لوح سفید در نظر داشت طبق این دیدگاه کودکان در ابتدا چیزی نیستند ؛ تجربه شخصیت آنها را شکل می دهد.

✓ ژان ژاک روسو: طبیعت گرا ، رشد مرحله ای ، ناپیوسته

کودکان را وحشی های اصیل در نظر داشت که به طور طبیعی از موهبت درک درست و غلط و برنامه ای فطری برای رشد منظم و سالم برخوردارند .

دو مفهوم پر نفوذ روسو:

(۱) مرحله

(۲) رسش : به روند رشدی اشاره دارد که به صورت ارثی تعیین شده و به طور طبیعی شکوفا می شود.

داروین

▪ پیشگام بررسی علمی کودک است .

نظریه تکامل را مطرح کرد.(انتخاب طبیعی – بقای اصلح)

استانلی هال:

➤ بانی جنبش بررسی کودک محسوب می شود.

➤ رویکرد هنجاری را مطرح کرد.

گزل :

➤ جزء اولین کسانی بود که آگاهی درباره رشد کودک را برای والدین معنی دار کرد.

« اولین آزمون هوش استنفورد بینه است »

✓ دیدگاه روانکاوی :

طبق این دیدگاه افراد یک رشته مراحل را می گذرانند که در آنها با تعارض هایی بین سایق های زیستی و انتظارات اجتماعی روبرو می شوند.

نحوه ای که این تعارض ها حل می شود توانایی افراد را در آموختن ، کنار آمدن با دیگران و مقابله کردن با اضطراب تعیین می کند.

دو تن از با نفوذ ترین افراد دیدگاه روانکاوی « زیگموند فروید » بینیان گذار جنبش روانکاوی و «اریک اریکسون » هستند.

✓ نظریه روانی - جنسی فروید :

این نظریه تاکید دارد که نحوه ای که والدین سایق های جنسی و پرخاشگری فرزند خود را در چند سال اول زندگی اداره می کنند ، برای رشد شخصیت سالم حیاتی است.

مراحل رشد روانی جنسی فروید :

۱. دهانی (تولد تا یکسالگی) :

عدم موفقیت در این مرحله

- شست جویدن
- ناخن جویدن
- مداد جویدن

در بزرگسالی

- کشیدن سیگار
- پرخوری

۲. مقعدی (۱ تا ۳ سالگی):

- عدم موفقیت
- احتکار

۳. آلتی (۳ تا ۶ سالگی) :

▪ پسر : عقده ادیپ

▪ دختر : عقده الکترا

□ حل این عقده باعث شکل گیری فرا خود

□ عدم حل این عقده احساس گناه ایجاد می کند.

۴. نهفتگی (۶ تا ۱۱ سالگی)

۵. تناسلی نوجوانی

* نظریه فروید اولین نظریه ای بود که روی تاثیر رابطه اولیه والد – فرزند بر رشد تاکید کرد.

□ اولاً این نظریه بر تاثیر احساس های جنسی در رشد زیاد تاکید کرده است

□ ثانیاً چون این نظریه بر مشکلات بزرگسالان ثروتمندی استوار بود که از لحاظ

جنسی سرکوب شده بودند در مورد فرهنگ هایی که با جامعه ویکتوریایی

قرن نوزدهم تفاوت داشتند ، کاربرد نداشت . سرانجام اینکه ، فروید کودکان را

مستقیماً بررسی نکرد.

□ نظریه اریکسون – نورویدی – توجه به فرهنگ

اریکسون در نظریه روانی – اجتماعی خود ، روی این موضوع تاکید کرد که خود ، صرفاً بین تکانه های نهاد و درخواست های فرا خود میانجیگری نمی کند، خود در هر مرحله نگرش ها و مهارت هایی را نیز کسب می کند که باعث می شوند فرد عضو فعال و کمک کننده به جامعه شود.

نکته : مهم ترین امتیاز دیدگاه روانکاوی تاکید آن بر تاریخچه منحصر به فرد شخص است. که روش بالینی مورد پژوهی را اختیار کردند.

✓ مراحل روانی - اجتماعی اریکسون :

- (۱) اعتماد در برابر بی اعتمادی (دهانی) تولد تا یکسالگی
- (۲) خودمختاری در برابر شرم و تردید (مقعدی) ۱ تا ۳ سالگی
- (۳) ابتکار عمل در برابر احساس گناه (آلتی) ۳ تا ۶ سالگی
- (۴) سختکوشی در برابر احساس حقارت (نهفتگی) ۶ تا ۱۱ سالگی
- (۵) هویت در برابر سردرگمی هویت (تناسلی) نوجوانی
- (۶) صمیمیت در برابر انزوا - جوانی (اوایل بزرگسالی)
- (۷) زاینده‌گی در برابر رکود - میانسالی
- (۸) انسجام خود در برابر ناامیدی - پیری

✓ رفتار گرایی و نظریه های یادگیری اجتماعی:

طبق دیدگاه رفتارگرایی - رویدادهایی که مستقیماً قابل مشاهده هستند - محرک ها و پاسخ ها - ارزش بررسی کردن را دارند. آغازگر رفتارگرایی « واتسون » بود . رشد پیوسته است .

✓ نوعی از رفتار گرایی به نام شرطی سازی کنشگر:

«اسکینر» مبدع این نظریه ، عقیده داشت فراوانی رفتار را می توان با ارایه دادن انواع تقویت کننده ها مانند غذا ، تحسین ولبخند دوستانه افزایش داد.

✓ نظریه یادگیری شناختی اجتماعی :

آلبرت بندورا بر سرمشق گیری به عنوان منبع قدرتمند رشد تاکید دارد که به تقلید یا یادگیری مشاهده ای نیز معروف است .

طبق دیدگاه تجدید نظر شده بندورا کودکان به تدریج در آنچه که تقلید می کنند گزینشی تر می شوند . کودکان از طریق تماشا کردن دیگران که خود را تحسین ویا

سرزنش می کنند و از طریق بازخوردی درباره ارزش اعمال خودشان ، معیارهای شخصی برای رفتار و احساس کارایی را پرورش می دهند .

✓ خدمات و نقطه ضعف های رفتار گرایی و نظریه یادگیری اجتماعی :

در درمان دامنه وسیعی از مشکلات سازگاری مفید بوده اند .

تغییر رفتار از روش هایی تشکیل می شود که برای برطرف کردن رفتارهای ناخوشایند و افزایش دادن پاسخ های خوشایند ، شرطی سازی و سرمشق گیری را ترکیب می کنند .

به خاطر نادیده گرفتن مشارکت افراد در رشد خودشان انتقاد شده است . اما بندورا به شناخت بیشتر تاکید داشت بنابراین نظریه او در اشاره به نقش فعال یادگیرنده در یادگیری منحصر به فرد است .

✓ نظریه شناختی – رشدی پیاژه :

طبق نظریه شناختی – رشدی پیاژه ، کودکان با دستکاری و کاوش کردن محیط خود به طور فعال آگاهی کسب می کنند .

انطباق : سازگاری ساختارهای ذهنی با دنیای بیرون

تعادل : بین ساختارهای درونی و اطلاعات بیرونی نوعی توازن برقرار می شود.

✓ مراحل رشد شناختی پیاژه :

➤ حسی – حرکتی (تولد تا ۲ سالگی)

➤ پیش عملیاتی (۲ تا ۷ سالگی)

استفاده از نمادها ، بازی وانمود کردن ، رشد زبان

➤ عملیات عینی (۷ تا ۱۱ سالگی)

استدلال منطقی می شود و تفکر هنوز انتزاعی نیست

➤ عملیات صوری (۱۱ سالگی به بعد)

نکته : تفکر در مرحله پیش عملیاتی فاقد تفکر منطقی است .

- پیازه روش بالینی روان کاوی ، همراه با مصاحبه های بالینی باز پاسخ را اجرا کرد .

پردازش اطلاعات - رشد پیوسته است.

سازمان دهی → تغییر → رمز گردانی → دریافت توسط حواس → ارائه اطلاعات

نقطه قوت رویکرد پردازش اطلاعات :

خود را نسبت به روش های تحقیق دقیق متعهد می داند .

تقاط ضعف رویکرد پردازش اطلاعات :

جنبه هایی از شناخت را که خطی و منطقی نیستند نادیده گرفته است .

« اغلب پژوهش های آن آزمایشگاهی اند . »

روان شناسی - زیست شناسی



علوم اعصاب شناختی :

رابطه بین تغییرات در مغز و پردازش شناختی و الگوهای رفتاری فرد در حال رشد را بررسی می کند.

✓ کردار شناسی و روانشناسی رشد تکاملی :

کردارشناسی به ارزش سازگاران یا بقای رفتار و تاریخ تکامل آن مربوط می شود. منشأ آن در نظریه داروین است و نوین گرایی آن را «کنراد لورنز» و «نیکوتین برگن» بنا نهادند. کنراد لورنز - نقش پذیری

✓ دوره بحرانی :

مدت زمان محدودی است که در آن فرد از لحاظ زیستی آمادگی دارد تا رفتارهای سازگاران خاص را فراگیرد. اما به حمایت محیط تحریک کننده نیاز دارد.

✓ دوره حساس :

زمانی است که برای ظاهر شدن توانایی های خاص مطلوب است و فرد در این زمان خیلی پذیرای تاثیرات محیطی است.

* رشته ای که سعی دارد از ارزش سازگاران توانایی های شناختی ، هیجانی و اجتماعی هنگامی که با افزایش سن تغییر می کنند آگاه شود. روانشناسی رشد تکاملی نامیده می شود.

✓ نظریه اجتماعی - فرهنگی ویگو تسکی :

نظریه اجتماعی - فرهنگی بر نحوه ای که فرهنگ - ارزش ها ، عقاید ، آداب و رسوم و مهارت های گروه اجتماعی - به نسل بعدی انتقال می یابد تمرکز می کند.

به عقیده ویگو تسکی ، تعامل اجتماعی - مخصوصاً گفتگوهای یاری بخش با اعضای آگاه تر جامعه برای اینکه کودکان شیوه های تفکر و رفتار کردن را که فرهنگ جامعه را تشکیل می دهد فراگیری کنند ضروری هستند.

نکته :

ویگو تسکی با پیازه موافق است که کودکان موجودات فعال و سازنده ای هستند اما بر خلاف پیازه که بر تلاش های مستقل کودکان در معنی دادن به دنیای خودشان تاکید

کرد ، ویگوتسکی رشد شناختی را به صورت فرایندی که جامعه میانجی آن می شود در نظر گرفت .

نظریه سیستم های بوم شناختی :

این سیستم فرد را به صورتی در نظر می گیرد که درون سیستم پیچیده روابطی رشد می کند که چندین سطح از محیط پیرامون بر او تاثیر میگذارند .

ریز سیستم :

عمیق ترین سطح محیط است که از فعالیت ها و الگوهای تعامل در محیط های نزدیک تشکیل می شود. - تمامی رفتار و روابط دوجهتی هستند.

میان سیستم :

ارتباط بین ریز سیستم ها را شامل می شود. تاثیر روابط والدین در محیط بر روی تعاملات او بر فرزندان

برون سیستم : از موقعیت های اجتماعی تشکیل می شود که فرد در حال رشد را در بر نمی گیرد. ولی با این حال بر تجربیات در موقعیت های نزدیک تاثیر می گذارد .

برای مثال :

➤ برنامه کاری انعطاف پذیر

➤ مرخصی استحقاقی و استعلاجی برای والدین

کلان سیستم :

این سطح موقعیت خاصی نیست بلکه از ارزش ها ، قوانین ، آداب و رسوم و امکانات را تشکیل می شود.

سیستم پویا و دایم در تغییر :

➤ وارد شدن به نیروی کار

➤ ازدواج

➤ پدر یا مادر شدن

➤ طلاق گرفتن

➤ نقل مکان کردن

➤ بازنشسته شدن

تغییرات زندگی

▪ می توانند از بیرون صورت گیرند

▪ یا اینکه می توانند از درون فرد ناشی شوند

زیرا افراد ، بسیاری از موقعیت ها و تجربیات خود را انتخاب می کنند ، تغییر می دهند و بوجود می آورند. که آن « سیستم زمانی » نامیده می شود.

✓ خلاصه ای از نکات کلیدی نظریه های مطرح شده :

روان کاوی :

ناپیوسته ، یک دوره ، طبیعت و تربیت و تجربیات اولیه روند بعدی رشد را تعیین می کنند.

رفتارگرایی و یادگیری اجتماعی :

پیوسته ، چند دوره ، تربیت و تجربیات اولیه مهم اند.

نظریه شناختی – رشدی پیازه :

ناپیوسته ، یک دوره ، طبیعت و تربیت ، تجارب اولیه اهمیت دارند.

پردازش اطلاعات :

پیوسته ، یک دوره ، طبیعت و تربیت ، تجارب اولیه اهمیت دارند .

کردارشناسی و روانشناسی رشد تکاملی :

پیوسته و ناپیوسته ، یک دوره ، طبیعت و تربیت ، تجارب اولیه مهم اند.

نظریه اجتماعی – فرهنگی ویگو تسکی :

پیوسته و ناپیوسته ، چند دوره ، طبیعت و تربیت .

نظریه بوم شناسی :

چند دوره احتمالی ، طبیعت و تربیت .

دیدگاه عمر :

پیوسته و ناپیوسته ، چند دوره احتمالی ، طبیعت و تربیت .

نکته :

روش بالینی یا مورد پژوهی پیامد نظریه روان کاوی است .

نکته :

یکی از تهدیدها برای یافته های طولی ، تاثیرات هم دوره است . افرادی که در دوره زمانی یکسانی متولد شده اند ، تحت تاثیر یک رشته شرایط تاریخی و فرهنگی خاصی قرار دارند . نتایج مبتنی بر یک همدوره ممکن است در مورد افرادی که در مواقع دیگر رشد کرده اند کاربرد نداشته باشند .

✓ مسایل اخلاقی در پژوهش های رشد :

(۱) محافظت از آسیب

(۲) رضایت آگاهانه

(۳) امور شخصی

(۴) آگاهی از نتایج

فصل دوم

مبانی زیستنی و محیطی رشد

خصوصیاتی که مستقیماً قابل مشاهده هستند تیپ های پدیداری یا فنو تیپ نامیده می شوند. به تیپ ارثی بستگی دارند.

آمیزه پیچیده ای از اطلاعات ژنتیکی که گونه ما را تعیین می کند و بر تمام خصوصیات منحصر به فرد ما تاثیر می گذارد عبارتند از:

➤ هومو زیگوس (جور تخم)

آلل های حاصل از پدر و مادر مشابه هستند.

➤ هتروزیگوس (ناجور تخم)

آلی که روی خصوصیات فرد تاثیر گذارد آلل بارز نامیده می شود.

آلل دوم که تاثیر ندارد نهفته نام دارد.

بیماری هانتینگتون - بارز

هموفیلی وابسته به کروموزوم X است

نشانگان مارفان - بارز

نشانگان X شکننده وابسته به ارث

نشانگان داون ← کروموزوم ۲۱

نشانگان ترنر در دختران ← یک کروموزوم X کم دارند.

نشانگان کلاین فیلتر در پسران ← یک کروموزوم X اضافی

رشد حاصل تعادل طبیعت و تربیت است. چند مفهوم این مطلب را روشن میکند.

۱- دامنه واکنش : پاسخ منحصر به فرد هرکس به محیط که به صورت ژنتیکی تعیین شده است .

۲- هدایت کردن : گرایش وارث به محدود کردن رشد برخی خصوصیات به فقط یک یا چند پیامد است.

در سنین پایین بین ژنتیک - محیط همبستگی نافع و فرا خوانشی وجود دارد .

در سنین بالاتر بین ژنتیک - محیط همبستگی فعال برقرار است .

گرایش به انتخاب کردن فعال محیط هایی که وراثت ما را تکمیل می کند موفقیت گزینی نامیده می شود.

بین وراثت و محیط رابطه اپی ژنتیک برقرار است یعنی رشد از تبادل های جاری و دو جهتی بین وراثت و تمام سطوح محیط حاصل می شود .

فصل سوم

رشد پیش از تولد، تولد و نوزاد

✓ تغییرات گسترده ای که در مدت ۳۸ هفته حاملگی صورت می گیرند معمولاً به سه مرحله تقسیم می شوند :

(۱) دوره تخمک بارور

(۲) دوره رویانی

(۳) دوره جنینی

لانه گزینی:

بین هفت تا نه روز بعد از بارور سازی لانه گزینی روی می دهد . بلاستوسیت عمیقاً به جداره رحم می چسبد.

جفت:

از کوریون منشا می گیرد . جفت با نزدیک کردن خون رویان و مادر به هم امکان رسیدن غذا و اکسیژن به ارگانیزم و دفع فضولات را فراهم می آورد. (در پایان هفته دوم)

دوره رویانی:

دوره رویانی از لانه گزینی تا هفته هشتم حاملگی ادامه دارد. در طول این ۶ هفته، اغلب تغییرات سریع پیش از تولد صورت می گیرند. طوری که شالوده تمام ساختارهای بدن و اندام های درونی پی ریزی می شوند.

نیمه دوم ماه اول :

دیسک رویانی سه لایه سلول :

➤ اکتودرم :

دستگاه عصبی و پوست

➤ مزودرم :

استخوان بندی ، دستگاه گردش خون ، اندام های درونی

➤ اندودرم :

دستگاه گوارش ، ریه ها ، دستگاه ادراری و غدد

دوره جنینی :

از هفته نهم تا پایان حاملگی – طولانی ترین دوره پیش از تولد است .

ارگانیزم در طول این مرحله «در رشد و تکمیل شدن» به سرعت از نظر اندازه بزرگ می شود.

« سن زنده ماندن بین هفته ۲۲ تا ۲۶ است. »

تراتوژن ها :

به هرگونه عامل محیطی اشاره دارد که در طول دوره پیش از تولد آسیب برساند.

* سیتومگالو ویروس شایع ترین عفونت پیش از تولد که از طریق تماس تنفسی یا جنسی منتقل می شود. و تبخال ساده ۲ هم خطر ناک است.

بچه هایی که مادرشان با اضطراب شدید به این فاجعه واکنش نشان داده بودند (اسپتامبر) سطح کورتیزول پایینی داشتند.

* توکسمی یا پری اکلامپسی که به موجب آن فشارخون ناگهان بالا می رود و صورت ، دست ها و پاها در نیمه آخر حاملگی ورم می کند.

* مقیاس آپگار : ارزیابی یک دقیقه و دوباره پنج دقیقه بعد از تولد صورت می گیرد.

۷ یا بیشتر : وضعیت جسمانی مناسب

۴ تا ۶ : برای ثبت تنفس و سایر علایم حیاتی به کمک نیاز دارد.

از ۳ کمتر : در معرض خطر جدی قرار دارد.

پنج شاخص آپگار : ضربان قلب ، تلاش تنفسی ، تحریک پذیری بازتابی ، کشیدگی عضلانی و رنگ

* آنوکسی : عدم تامین اکسیژن کافی

* زود رسی : بچه هایی که ۳ هفته یا بیشتر قبل از پایان ۳۸ هفتگی حاملگی متولد می شوند یا وزن آنها کمتر از ۲۵۰۰ گرم است.

* نارسی : وزن کمتر از حد انتظار

* نشانگان ناراحتی تنفسی = بیماری غشای شفاف = عدم رشد کافی ریه ها

بازتاب های نوزاد :

بازتاب پاسخی فطری و خودکار به نوع خاصی از تحریک است . بازتاب ها واضح ترین الگوهای رفتار سازمان یافته نوزاد است.

* بازتاب مورو : تا ۶ ماهگی ناپدید می شود و حرکتی شبیه در آغوش کشیدن است.

* بابینسکی : نوازش کف پا از انگشتان به طرف پاشنه ، باعث می شود یا به داخل خم شده انگشتان از هم باز شده و به بیرون خم می شوند. (۸ تا ۱۲ ماهگی) ناپدید می شود.

* چنگ زدن : ۳ تا ۴ ماهگی ناپدید می شود.

* گونه : ۳ هفتگی

* مکیدن : ۴ هفتگی : مکیدن ارادی جایگزین می شود.

* تونیک گردنی : ۴ ماهگی

* گام برداری : ۲ ماهگی

« اغلب بازتاب های نوزاد در ۶ ماهگی ناپدید می شود»

« نوزادان روزی ۱۶ تا ۱۸ ساعت می خوابند.»

خواب حداقل دو حالت دارد:

REM (۱)

NREM (۲)

REM: در طول خواب با حرکت سریع چشم که نامنظم است. فعالیت امواج مغزی شبیه فعالیت حالت بیداری است. چشم ها زیر پلک ها تکان می خورند ، ضربان قلب ، فشار خون و تنفس ناموزون هستند و حرکات جزئی بدن روی می دهند. در مقابل در طول خواب بدون حرکت سریع چشم

NREM: که منظم است بدن تقریباً بی حرکت است و ضربان قلب ، تنفس و فعالیت امواج مغزی آهسته و موزون هستند. نوزادان بیشتر در خواب REM هستند . به خاطر رشد دستگاه عصبی مرکزی حیاتی است.

* نشانگان مرگ ناگهانی کودک (SIDS) :

بچه های زیر یکسال ← علت : عملکرد ناقص مغز

✓ گریه : اولین روشی است که بچه ها بوسیله آن ارتباط برقرار می کنند. در ۶ هفتگی به اوج می رسد.

* نوزادان بعد از تولد ، اشیاء را در فاصله ۱۸۳ متری درک می کنند.

• یک تا دو ماه طول می کشد تا رنگ بینی بهبود یابد.

* پرو لاکتین : برای تحریک پستان ها برای تولید شیر افزایش می یابد.

* استروژن : در دختران افزایش می یابد .

* استروژن : در پسران کاهش می یابد.

فصل چهارم

رشد جسمانی در نوباوگی و نوپایی

در ۵ ماهگی ، وزن هنگام تولد دو برابر می شود . (۵/۶kg)

در یکسالگی وزن هنگام تولد ، سه برابر میشود . (۱۰ kg)

در دو سالگی ، وزن هنگام تولد چهار برابر می شود . (۱۳/۵ kg)

در نوباوگی وزن دختران و قد آنها نسبت به پسران کمتر است و نسبت چربی به عضله آنها بیشتر است.

دختر ها کمتر از پسر ها دچار مشکلات رشد می شوند . و میزان مرگ ومیر نوباوگی و کودکی کمتری دارند.

الگوهای رشد جسمانی در نوباوگی :

(۱) سری - پایی

(۲) مرکزی - پیرامونی

هنگام تولد سر یک چهارم کل طول بدن و پاها فقط یک سوم آن را تشکیل می دهند در دو سالگی ، سر فقط یک پنجم و پاها تقریباً نیمی از طول بدن را تشکیل می دهند. هنگام تولد مغز از هر ساختار جسمانی دیگر به اندازه بزرگسالی خود نزدیکتر است.

*تقریباً نیمی از حجم مغز از سلول های گلیال تشکیل شده که مسئول میلین دار کردن ، یعنی پوشاندن رشته های عصبی با غلاف چربی عایق کننده (که میلین نامیده می شود) است که تاثیر انتقال پیام را بیشتر می کنند.

قشر مخ : بزرگترین و پیچیده ترین ساختار مغز است - ۸۵ درصد مغز را تشکیل می دهد . بیشترین تعداد نورون ها و سیناپس ها را در بردارد و مسئول هوش منحصر به فرد گونه ماست.

در دوره نوباوگی رشد چشمگیر ادراک شنوایی و بینایی و تسلط یافتن بر مهارت های حرکتی دیده می شود. مناطق زبان از اواخر نوباوگی تا سال های پیش دبستانی ، یعنی زمانی که رشد زبان شکوفا می شود بسیار فعال هستند.

قطعه پیشانی : مسئولیت تفکر را به عهده دارد. هوشیاری ، بازداری تکانه ها ، ادغام کردن اطلاعات و تنظیم رفتار از طریق برنامه ریزی.

نیمکره چپ مسئول توانایی های کلامی و هیجان مثبت است.

نیمکره راست توانایی های فضایی (قضاوت کردن درباره فواصل ، خواندن نقشه ها و تشخیص دادن شکل های هندسی) و هیجان های منفی (مانند اندوه) را انجام میدهد. تخصص شدن دو نیمکره جانبی شدن نامیده میشود.

نیمکره چپ برای پردازش اطلاعات به صورت جز و نیمکره راست برای تحلیل اطلاعات به صورت کلی تخصص یافته است.

ایجاد فرصتهایی برای لمس کردن ، دیدن ، کاوش کردن رشد مغز منتظر تجربه را افزایش می شود.

رشد مغز وابسته به تجربه مربوط به یادگیری خاص در فرهنگ ها و جوامع مختلف می شود مثل بافتن قالیچه های ظریف.

ترشح ملاتونین ، هورمونی در مغز که موجب خواب آلودگی میشود ، از اواسط سال اول زندگی ، در طول شب خیلی بیشتر از روز است.

عوامل موثر بر رشد جسمانی:

(۱) وراثت

(۲) تغذیه

(۳) سلامت هیجانی

(۱) وراثت

(۲) تغذیه : ۲۵ درصد از کل مصرف کالری نوباوگان صرف رشد می شود . و بچه ها نسبت به بزرگسالان دو برابر انرژی نیاز دارند.

*ماراسموس نوعی حالت بی رمقی بدن است که رژیم فاقد مواد غذایی ضروری آن را ایجاد می کند. این بیماری معمولاً در سال اول زندگی که مادر بچه به قدری دچار سوء تغذیه شده است که نمی تواند شیر کافی تولید کند. و شیر خشک نیز ناکافی است ، پدیدار می شود .

*کواشیورکور: غذای نامتعادل با پروتئین کم آن را ایجاد می کند. این بیماری معمولاً بعد از شیر گرفتن بین ۱ تا ۳ سالگی نمایان می شود.

(۳) سلامت هیجانی

ناتوانی در رشد کردن غیر ارگانیک ، نوعی اختلال رشد ناشی از فقدان محبت والدین ، معمولاً در ۱۸ ماهگی نمایان می شود . کودکانی که به آن مبتلا هستند تمام علائم ماراسموس را نشان می دهند. بدن آنها بی رمق نشان می دهد. گوشه گیر و بی تفاوت

هستند اما هیچ علامت ارگانیک (زیستی) برای ناتوانی بدن در رشد کردن یافت نمی شود.

محرك خنثی درست قبل از محرك غير شرطی یا همزمان با آن ارائه می شود تا شرطی سازی کلاسیک روی دهد.

ارزش بقا برای نوباوه در شرطی سازی کلاسیک اهمیت دارد.

خوگیری :

به کاهش تدریجی در نیرومندی پاسخ به علت تحریک مکرر اشاره دارد. - برای ارزیابی حافظه دور

برگشت :

ارائه محركی تازه برای یادگیری های جدید است. - حافظه نزدیک را ارزیابی می کند. نورون های آینه ای رفتار تقلید را حمایت می کنند.

توالی رشد حرکتی:

۱- رشد حرکتی درشت ، به کنترل بر اعمالی مثل سینه خیز رفتن ، ایستادن و راه رفتن اشاره دارد که به بچه ها کمک می کند در محیط گردش کنند.

۲- رشد حرکتی ظریف ، با حرکت کوچکتر مانند دسترسی و چنگ زدن ارتباط دارد.

« رشد سری - پایي و پیرامونی مرکزی است. »

بدون کمک می نشیند ← سن متوسط ۷ ماهگی ← دامنه ۵ تا ۹ ماهگی

سینه خیز ← سن متوسط ۷ ماهگی ← دامنه ۵ تا ۱۱ ماهگی

برای ایستادن خود را بالا می کشد ← ۸ ماهگی ← دامنه ۵ تا ۱۲ ماهگی

بدون کمک راه می ایستد ← ۱۱ ماهگی ← دامنه ۹ تا ۱۶ ماهگی

بدون کمک راه می رود. ← ۱۱ ماه و سه هفتگی ← دامنه ۹ تا ۱۷ ماهگی

با دو مکعب برج می سازد ← ۱۱ ماه و سه هفته ← دامنه ۱۰ تا ۱۹ ماهگی

محکم خط خطی می کند ← ۱۴ ماهگی ← دامنه ۱۰ تا ۲۱ ماهگی

با کمک دیگران از پله بالا می رود ← ۱۶ ماهگی ← دامنه ۱۲ تا ۲۳ ماهگی

در جا بالا می پرد ← ۲۳ ماهگی و ۲ هفته ← ۱۷ تا ۳۰ ماهگی

روی پنجه پا راه می رود ← ۲۵ ماهگی ← ۱۶ تا ۳۰ ماهگی

مهارت های حرکتی به عنوان سیستم های پویا :

طبق نظریه سیستم های پویای رشد حرکتی تسلط یافتن بر مهارت های حرکتی مستلزم فراگیری سیستم های عمل است که به طور فزاینده ای پیچیده میشوند.

هر مهارت تازه ، محصول مشترک چهار عمل است :

۱- رشد دستگاه عصبی مرکزی

۲- توانایی حرکت بدن

۳- هدفی که کودک در ذهن دارد

۴- حمایت های محیط از آن مهارت

نکته : از بین تمام مهارت های حرکتی ، دسترسی بیشترین نقش را در رشد شناختی کودک ایفا می کند.

نوزادان پیچ و تاب های ناهماهنگی به سمت اشیای موجود در مقابل آنها می خورند که پیش دسترسی نامیده می شود. پیش دسترسی مانند بازتاب های نوزاد ، در ۷ ماهگی ناپدید می شود.

نوباوگان ، در پایان سال اول ، از شست و انگشت اشاره در چنگ زدن چنگالی کاملاً هماهنگ استفاده می کنند.

رشد ادراکی :

بین ۴ تا ۷ ماهگی نوباوگان از احساس عبارت بندی موسیقی بر خوردارند.

در حدود ۲ ماهگی نوباوگان می توانند مانند بزرگسالان روی اشیا تمرکز کرده و رنگ ها را تشخیص دهند.

تیزی بینایی در طول سال اول بهبود می یابد. و در ۶ ماهگی به سطح بزرگسالی ۲۰/۲۰ می رسد.

ادراک عمق :

توانایی قضاوت کردن درباره فاصله اشیا از یکدیگر و از خودمان است. (۶ تا ۷ ماهگی نوزادان نگاه کردن به محرک های طرح دار را به محرک های ساده ترجیح می دهند. به دلیل حساسیت نسبت به تضاد.

در حدود ۳ ماهگی نوباوگان ویژگی های چهره های مختلف را تشخیص می دهند.

ادراک عمق ← ۵ تا ۱۲ ماهگی : تشخیص ارتفاع

ادراک طرح ← ۵ تا ۱۲ ماهگی : تشخیص طرح های پیچیده و معنی دار

ادراک صورت ← ۵ تا ۱۲ ماهگی : تشخیص ریز بافت های چهره

ادراک چند وجهی تا ماه اول شکل می گیرد.

نکته : نوباوگان بین ۴ تا ۶ ماهگی می توانند همایند های صورت – صدای بزرگسالان غریبه را درک کرده به یاد آورند.

نکته ۲ : ادراک چند وجهی ، به پردازش اجتماعی و زبان نیز کمک می کند. ادراک چند وجهی نوباوه را قادر می سازد تا به همبستگی های معنی دار بین درون دادهای حسی نظریه تمایز گیبسون:

نوباوگان به طور فعال ، ویژگی های تغییر ناپذیر محیط را در دنیای ادراکی دائماً در حال تغییر جستجو می کنند – ویژگی هایی که ثابت می مانند.

گیبسون نظریه خود را به این علت تمایز می نامد که نوباوگان به مرور زمان ویژگی های ظریف تری در محرک ها تشخیص می دهند. تمایز علاوه بر ادراک طرح و ادراک چند وجهی ، در مورد ادراک عمق هم کاربرد دارد. توجه کرده و به محیط اطراف خود معنی بدهند.

فصل پنجم

رشد شناختی در نوباوگی و نوپایی

پیاژه کودکان را به صورت کاوشگران فعال و با انگیزه ای در نظر داشت که وقتی مستقیماً روی محیط تاثیر میگذارند ، تفکر آنها رشد می کند و تحت تاثیر زمینه خود در زیست شناسی قرار دانست.

✓ اولین مرحله پیاژه، مرحله حسی – حرکتی ، ۲ سال اول زندگی را در بر می گیرد.

پیاژه معتقد بود که نوباوگان و کودکان نوپا با چشم ها ، گوش ها ، دست ها و سایر

تجهیزات حسی – حرکتی فکر می کنند. آنها هنوز می توانند خیلی از فعالیت ها

را در سر خود انجام دهند ، اما کودکان در پایان دوره نوپایی ، می توانند مسائل

عملی روزمره را حل کنند و تجربیات خود را در گفتار حالت بدن و بازی نشان دهند.

طرح واره : ساختارهای روان شناختی خاص ، شیوه های سازمان یافته و معنی دادن به

تجربه را طرحواره می نامند. که با افزایش سن تغییر می کنند.

در نظریه پیازه دو فرایند انطباق و سازمان دهی ، تغییرات در طرحواره ها را توجیه می کنند.

انطباق : مستلزم ساختن طرحواره ها ، از طریق تعامل مستقیم با محیط است.

انطباق از دو فعالیت مکمل تشکیل می شود: ۱. درون سازی ۲. برون سازی

هنگام درون سازی ، از طرح واره های فعلی خود برای تعبیر کردن دنیای بیرونی استفاده می کنیم.

هنگام برون سازی ، بعد از اینکه متوجه می شویم که شیوه جاری تفکر ما کاملاً با محیط متناسب نیست طرحواره های جدیدی را به وجود آورده یا طرحواره های قدیمی را تنظیم می کنیم .

وقتی که کودکان زیاد تغییر نکنند ، بیشتر **درون سازی** می کنند تا **برون سازی** ، پیازه این را حالتی از تعادل شناختی نامید. که به وضعیت با ثبات و راحت اشاره دارد اما در مدت تغییر شناختی سریع کودکان در حالت عدم تعادل یا ناراحتی شناختی قرار دارند.

*حرکت بین تعادل و عدم تعادل ، طرحواره های موثر تری بوجود می آورد .

*چون زمان بیشترین انطباق ، سالهای اولیه است مرحله حسی – حرکتی پیچیده ترین دوره رشد پیازه است .

سازماندهی

طرحواره ها از طریق سازماندهی نیز تغییر می کنند فرایندی که به صورت درونی ، جدا از تماس مستقیم با محیط صورت می گیرد. بعد از اینکه کودکان طرحواره های جدید را تشکیل می دهند ، در آنها تجدید نظر می کنند و برای بوجود آوردن نظام شناختی بسیار منسجم ، آنها را به طرحواره دیگر مرتبط می کنند.

مرحله حسی – حرکتی :

واکنش چرخشی وسیله خاصی را برای سازگار کردن اولین طرحواره های آنها فراهم می آورد .

واکنش چرخشی عبارت است از برخورد تصادفی با تجربه تازه ای که فعالیت حرکتی خود بچه آن را ایجاد کرده است . علت چرخشی بودن آن این است که وقتی کودک سعی می کند آن

رویداد بارها تکرار کند ، پاسخ حسی – حرکتی که ابتدا به طور تصادفی روی داده در یک طرحواره جدید نیرومند می شود.

واکنش چرخشی در ابتدا به سمت خود بدن متمرکز است. بعداً به بیرون و به سمت دستکاری اشیاء متمایل می شود.

* در سال دوم ، تجربی و خلاق شده و به قصد تولید کردن نتایج تازه انجام می شود.

* پیازه بازتاب های نوزاد را عناصر اصلی هوش حسی – حرکتی می دانست.

زیر مرحله های حسی – حرکتی:

رفتار تصادفی :

۱. طرح واره های بازتابی (تولد تا یک ماهگی)

۲. واکنش چرخشی نخستین (یک تا چهار ماهگی) عادت های حرکتی ساده

مبتنی بر بدن و پیش بینی محدود رویدادها

۳. واکنش های چرخشی ثانویه (چهار تا هشت ماهگی) تقلید کردن از رفتارهای

آشنا و ایجاد نتایج جالب

رفتار های عمومی:

۴. هماهنگی واکنش های چرخشی ثانویه (۸ تا ۱۲ ماهگی) ← رفتار هدفمند و

عمومی می شود . پایدار شیئی شکل می گیرد . بهبود پیش بینی رویدادها ، تقلید کردن از رفتارهایی که اندکی با رفتارهایی که کودک انجام می دهد متفاوت است .

۵. واکنش چرخشی سوم (۱۲ تا ۱۸ ماهگی) ← تقلید کردن از رفتارهای تازه ،

توانایی جستجو در چندین مکان برای یافتن شیء پنهان شده ، (جستجوی A-B)

۶. بازنمایی ذهنی (۱۸ تا ۲ سالگی) ← تجسم درونی رویدادها ، حل کردن ناگهانی

مسایل ، توانایی یافتن شیئی در حالی که دور از دید بوده جابجا شده است . (جابجایی

نادیدنی) در ادامه تقلید معوق و بازی وانمود کردن .

بازنمایی ذهنی :

تجسم درونی اطلاعاتی که ذهن می تواند ، دستکاری کند .

۱. تصاویر ذهنی اشیاء ، افراد و مکان ها ۲. مفاهیم و اطلاعات

تقلید معوق : توانایی به یاد آوردن و کپی کردن رفتار الگو هایی که حضور ندارند .

دیدگاه دانش محوری در دوره نوباوگی:

طبق دیدگاه دانش محوری، بچه ها با یک رشته سیستم های دانش فطری یا زمینه های تفکر محوری به دنیا می آیند. دیدگاه دانش محوری اعلام می دارد که شالوده فطری دانش زبان ، امکان فراگیری فوری زبان را در اوایل کودکی فراهم می آورد.

پردازش اطلاعات:

نظریه پردازان پردازش اطلاعات با پیازه موافق اند که کودکان موجود فعال و کاوشگری هستند ولی آنها به جای اینکه نظریه واحد و یکپارچه رشد شناختی ارائه دهند. روی چند جنبه تفکر ، از توجه حافظه و مهارت های طبقه بندی گرفته تا حل کردن مسئله پیچیده تمرکز می کنند.

مراحل پردازش اطلاعات :

۱. ابتدا اطلاعات وارد ثبت کننده حسی می شوند ، جایی که دیدنی ها و شنیدنی ها مستقیماً بازنمایی شده و برای مدت کوتاهی ذخیره می شوند. (ثبت کننده حسی)

۲. قسمت دوم ذهن ، حافظه فعال یا کوتاه مدت است. جایی که از راهبردهای ذهنی به طور فعال برای کار کردن روی مقدار محدودی اطلاعات استفاده می کنیم. (حافظه کوتاه مدت)

۳. مبنای دانش دائمی ماست که نامحدود است . در واقع به قدری زیاد در حافظه بلند مدت ذخیره می کنیم که در بازیابی ، یا بازیافتن اطلاعات از این سیستم دچار مشکل می شویم. برای رفع آن از طبقه بندی استفاده می کنیم.

* توجه سبب می شود اطلاعات از حافظه کوتاه مدت به حافظه بلند مدت انتقال یابد.

بازشناسی:

توجه کردن زمانی که یک محرک با محرکی که قبلاً تجربه شده همانند یا مشابه است. بازشناسی ساده ترین نوع حافظه است .

یادآوری سخت تر است . زیرا مستلزم یا آوری چیزی است که حضور ندارد . اما نوباوگان در پایان سال اول می توانند یاد آوری کنند .

طبقه بندی در نوباوگی نیز اتفاق می افتد. یعنی اشیاء و رویدادها ی مشابه را در بازنمایی واحدی دسته بندی می کنند .

اولین طبقه بندی بچه ها ادارکی هستند . در ۱۶ ماهگی آنها می توانند اشیاء را در طبقه ای واحد دسته بندی کنند.

در دیدگاه پردازش اطلاعات تجزیه کردن شناخت به عناصر آن مانند ادراک ، توجه و حافظه که بزرگترین نقطه قوت این نظریه هست ، بزرگترین نقطه ضعف آن نیز محسوب می شود .

بستر اجتماعی رشد شناختی اولیه:

مفهوم خاص ویگوتسکی ، منطقه مجاور رشد یا منطقه تقریبی رشد به دامنه ای از تکالیف اشاره دارد که کودک هنوز نمی تواند به تنهایی از پس آنها برآید ولی با کمک افراد ماهرتر می تواند ، آنها را انجام دهد.

تفاوت های فردی در رشد ذهنی اولیه

مقیاس بیلی برای رشد کودکان:

۱. شناختی ۲. زبانی ۳. حرکتی

دو مقیاس دیگر که به گزارش والدین متکی هستند:

۱. اجتماعی – هیجانی ۲. رفتار سازگارانه

* چون نمرات آزمون نوباوگان همان ابعاد هوش درسین بالاتر را ارزیابی نمی کنند ، از روی احتیاط ، به جای هوشبهر ، رشد بهر یا Dq به کار برده می شود .

رشد زبان :

* کودکان نوپا یک زمانی بین ۱/۵ تا ۲ سالگی ، دو کلمه را ترکیب می کنند.

* کودکان در ۶ سالگی واژگانی مشتمل بر تقریباً ۱۰۰۰۰ کلمه دارند. با جمله های طویل صحبت می کنند و در گفتگو کردن ماهر هستند.

* در حدود یک سالگی کودکان اولین کلمات را به زبان می آورند.

نظریه های رشد زبان :

۱. رفتار گرایی : رشد زبان را کاملاً ناشی از تاثیرات محیطی می داند .

۲. فطری نگری : فرض می کند که کودکان برای تسلط یافتن بر قواعد پیچیده زبان خود از پیش برنامه ریزی شده اند. (نوام چامسکی)

چامسکی :

معتقد بود تمام کودکان با وسیله فراگیری زبان به دنیا می آیند ، یعنی سیستمی فطری که از مجموعه ای قواعد مشترک در تمام زبان ها تشکیل می شود. این سیستم به کودکان امکان می دهند تا صرف نظر از زبانی که می شنوند . به محض اینکه واژه های کافی داشته باشند. به صورت قانونمند زبان را بفهمند و صحبت کنند . کودکی دوره حساس فراگیری زبان است. با نظر چامسکی درباره برنامه زبان مبتنی برزیست شناسی هماهنگ است.

۳. دیدگاه تعامل نگر :

پردازش اطلاعات

تعامل اجتماعی

رویدادهای مهم رشد زبان در طول دو سال اول :

۲ ماهگی ← زمزمه کردن

۴ ماهگی به بعد ← غان و غون کردن

۸ تا ۱۲ ماهگی ← درک برخی کلمات

۱۲ ماهگی ← اولین کلمه قابل تشخیص را می گوید .

حرکت های پیش کلامی مانند اشاره کردن

۱۸ تا ۲۴ سالگی ← از ۵۰ کلمه به ۲۰۰ کلمه واژگان ارتقاء می یابد .

کودک نوپا دو کلمه را ترکیب می مند.

* در حدود ۴ ماهگی نوباوگان توجه مشترک نشان می دهند. به همان سمتی که بزرگسالان نگاه می کنند خیره می شوند .

* در حدود ۴ تا ۶ ماهگی ، تعامل بین والدین و بچه ، تبادل را شامل می شود .

* در نیمه دوم سال اول ، نوباوگان معنی کلمات را می فهمند .

* کودکان در پایان سال دوم ، نامیدن هیجان های خود را آغاز کرده و از کلمات مانند شاد ، عصبانی و غمگین استفاده می کنند.

* هنگامی که کودکان نوپا ابتدا کلمات را یاد می گیرند ، گاهی آنها را خیلی محدود به کار می برند. خطایی که کم گسترانی مصداق نامیده می شوند .

* به کار بردن یک کلمه برای مجموعه گسترده تری از اشیاء و رویدادها که با آن متناسب نیستند پیش گسترانی مصداق نامیده می شوند .

* پیش گسترانی ها ویژگی مهم دیگر رشد زبان را نشان می دهند . تمایز بین تولید زبان و درک زبان ، در تمامی سنین درک زودتر از تولید رشد می کنند. بنابراین در تولید بیشتر پیش گسترانی اتفاق می افتد.

* کودکان نوپا هفته ای یک تا سه کلمه به واژگان خود اضافه می کنند .

* بین ۱۸ تا ۲۴ ماهگی جهش در واژگان اتفاق می افتد .

* ترکیب دو کلمه که در بین ۱۸ تا ۲۴ ماهگی اتفاق می افتد گفتار تلگرافی نام دارد .

* بیشتر نوباوگان از سبک اشاره نگر (کاوشگرند) استفاده می کنند و برخی از سبک بیانگر استفاده می کنند.

فصل ۶

رشد هیجانی و اجتماعی در نوباوگی و نوپایی

نظریه اریکسون

۱- اعتماد در برابر بی اعتمادی (از تولد تا ۱ سالگی)

اریکسون معتقد بود که نتیجه سالم در طول نوباوگی به کیفیت پرستاری بستگی دارد.

احساس اطمینان در صورتی که محبت مادرانه جاری باشد در کودک ایجاد می شود.

۲- خود مختاری در برابر شرم و تردید (۱ تا ۳ سالگی)

کودکان دوست دارند که خود تصمیم بگیرند. این بحران زمانی به نحو مطلوب حل خواهد شد

که والدین رهنمود مناسب و انتخاب های معقول برای کودکان خردسال فراهم کنند.

اریکسون معتقد بود هیجان ها در سازمان دادن به روابط اجتماعی، کاوش محیط و پی بردن به

خود نقش قدرتمندی ایفا می کنند.

*زندگی هیجانی اولیه بچه ها از دو حالت انگیختگی تشکیل شده است :

۱. جذب شدن به تحریک خوشایند

۲. دوری گزینی از تحریک ناخوشایند

هیجانها به تدریج علایم آشکار و سازمان یافته ای می شوند.

در حدود ۶ ماهگی صورت ، صدا و حالت بدن علایم سازمان یافته ای را تشکیل می دهند که در

واکنش به رویدادهای محیطی تغییر می کنند. چهار هیجان شادی، خشم ، غم و ترس بیش از

همه نظر پژوهشگران را جلب کرده است.

*نوباوه بین ۲ تا ۳ ماهگی لبخند اجتماعی می زند. و به جلوه های صورت بزرگسالان با مهربانی

پاسخ می دهند.

*خنده به محرکهای فعال در ۳ تا ۵ ماهگی نمایان می شود. جلوه های صورت را سازمان یافته درک می کنند. و می توانند هیجان را در صداها و چهره ها تشخیص دهند.

۶ تا ۸ ماهگی ترس، مخصوصاً اضطراب به غریبه پدیدار می شود. اضطراب جدایی دیده می شود.

*۸ تا ۱۲ ماهگی، ارجاع اجتماعی پدیدار می شود. نوباوگان به جزئیات ظریف متعجب می خندند.

*۱۸ تا ۲۴ ماهگی، هیجان های خود آگاه شرم، خجالت، احساس گناه و غرور نمایان می شوند خود گردانی هیجانی بهبود می یابد. اولین علایم همدلی نمایان می شود.

*بین ۶ تا ۱۰ هفتگی، چهره انسان خنده عمیقی به نام لبخند اجتماعی را برانگیخته می کند.

*خنده اولین بار حدود ۳ تا ۴ ماهگی روی می دهد.

* بین ۴ تا ۶ ماهگی تا سال دوم، ابراز خشم از نظر فراوانی و شدت افزایش می یابد. به علت رشد شناختی و حرکتی است.

*افسردگی پدر با مشکلات رفتاری کودکان، مخصوصاً پیش فعالی، سرپیچی و پرخاشگری در پسرها، ارتباط نیرومندی دارد.

*ترس نیز مانند خشم در طول نیمه دوم سال اول پدیدار می شود، نوباوگان رایج ترین ترس را ترس از غریبه ها نشان می دهند. برینان نوباوگان دنبال تکیه گاه امن می گردند.

*نوباوگان از طریق **سرایت هیجانی**، هیجان های دیگران را درک و به آن پاسخ می دهند.

ارجاع اجتماعی یعنی چه؟

بدین معنی که به طور فعال از فردی قابل اعتماد در موقعیتی نامطمئن، اطلاعات هیجانی می خواهند.

هیجان های خودآگاه: در پایان سال دوم پدیدار می شوند. (نیمه دوم سال دوم)

*انسان ها غیر از هیجان های اصلی، از یک رشته احساس های سطح بالا، از جمله احساس گناه، شرم، خجالت، حسادت و غرور نیز برخوردارند. اینها هیجانهای خودآگاه نامیده می شوند. زیرا هر یک از آنها وارد شدن صدمه به خود پنداره یا تقویت کردن آن را شامل می شوند.

حسادت در سه سالگی پدیدار می شود.

آغاز خودگردانی هیجانی

خودگردانی هیجانی به راهبردهایی اشاره دارد که از آنها برای تنظیم کردن حالت هیجانی خود در سطح شدت راحت بخشی اسفاده می کنیم تا بتوانیم به هدف های خود برسیم.

خلق و خو و رشد

خلق و خو عبارت است از تفاوت های فردی با ثبات در واکنش پذیری و خودگردانی که از همان ابتدای زندگی آشکار می شود. واکنش پذیری به سرعت و شدت برانگیختگی هیجانی، توجه و فعالیت حرکتی اشاره دارد. خودگردانی همان گونه که دیدیم به راهبردهایی اشاره دارد که آن واکنش پذیری را تغییر می دهند.

ساختار خلق و خو سه تیپ کودک:

۱. کودک راحت ← سازگار، سرحال، با برنامه های روزمره خو می گیرد.

۲. کودک دشوار ← ناسازگار، بی نظمی در برنامه های روزانه

۳. کودک کند جوش ← نافعال، خلق منفی، به کندی به تجربیات تازه سازگار می شود.

« وراثت و محیط دو عامل اصلی تاثیرگذار بر خلق و خو هستند »

مدل کیفیت خوب تطابق نشان می دهد که چگونه خلق و خو و محیط می توانند با هم نتایج مطلوبی به بار آورند.

کیفیت خوب تطابق عبارت است از به وجود آوردن محیط های فرزند پروری که خلق و خوی هر کودک را تایید کنند و در عین حال عملکرد سازگارانه تری را ترغیب نمایند.

رشد دلبستگی

دلبستگی پیوند عاطفی عمیقی است که با افراد خاصی در زندگی خود داریم که باعث می شود وقتی با آنها تعامل می کنیم لذت ببریم و در مواقع استرس از نزدیکی آنها احساس آرامش کنیم. در نیمه دوم سال اول، نوباوگان دلبسته افراد آشنا می شوند که به نیازهای آنها پاسخ داده اند. فروید اولین کسی بود که اظهار داشت پیوند عاطفی کودک با مادر مبنای تمام روابط بعدی است.

نظریه کردار شناختی دلبستگی

نظریه کردار شناختی دلبستگی که پیوند عاطفی بچه به مراقبت کننده را به صورت پاسخ تکامل یافته ای می داند که به بقا کمک می کند. دیدگاهی است که مقبولیت زیادی دارد.

جان بولبی اولین کسی بود که مفهوم دلبستگی را به کار برد. شروع دلبستگی بین فرزند-واله مبتنی بر الگوهای فطری است.

به اعتقاد جان بولبی دلبستگی در چهار مرحله شکل می گیرد:

۱-مرحله پیش دلبستگی (تولد تا ۶ هفتگی): علائم فطری-چنگ زدن، لبخند زدن، گریه کردن و خیره شدن به چشمان فرد بزرگسال- به نوزدان کودک می کنند تا با انسانهای دیگر که به آنها آرامش می دهند تماس نزدیک برقرار کنند.

۲-مرحله دلبستگی در حال شکل گیری (۶ هفتگی تا ۶ تا ۸ ماهگی): در طی این مرحله نوباوه به مراقبت کننده آشنا به صورت متفاوت با یک غریبه پاسخ می دهند.

۳-مرحله دلبستگی واضح (۶-۸ ماهگی تا ۱۸ الی ۲ سالگی): در این مرحله اضطراب جدایی نشان داده می شود. یعنی وقتی بزرگسالی که به او متکی هستند آنها را ترک می کند، ناراحت می شوند.

۴-تشکیل رابطه متقابل (۱۸ ماهگی تا ۲ سالگی و بعد از آن):

به عقیده بولینی بچه ها در اثر تجربیاتی که در طول این چهار مرحله کسب می کنند، پیوند عاطفی بادوامی را با مراقبت کننده برقرار می کنند که می توانند در غیاب والدین از آن به عنوان تکیه گاهی امن استفاده کند این تصور، وظیفه یک الگوی واقعی درونی یا یک رشته انتظارات درباره در دسترس بودن شخصیت های دلبستگی و احتمالی حمایت کردن آنها در مواقع استرس را برعهده دارد. الگوی واقعی درونی بخش مهمی از شخصیت می شود و وظیفه علامتی را برای تمام روابط صمیمانه درآینده برعهده دارد.

انواع دلبستگی

۱-دلبستگی ایمن: این نوباوگان از والد خود به عنوان تکیه گاه امن استفاده می کنند.

۲- دلبستگی دوری جو: به حضور والدین بی اعتنا، از ترک ناراحت نمی شوند، رفتار مشابه به غریبه نشان می دهند. به برگشت والدین توجه و از آن استقبال نمی کنند.

۳- دلبستگی مقاوم: ترک باعث ناراحتی آنها می شود، برگشت آنها را عصبانی می کنند. دست به کتک کاری می زنند.

۴- دلبستگی آشفته / سردرگم: این حالت بیشترین نایمنی را نشان می دهد. هنگام پیوستن والدین رفتار سردرگم و متضاد نشان می دهند. هیجان سطحی و افسرده دارند. حالت‌های بدن عجیب و غریب و خشک نشان می دهند.

ثبات دلبستگی ایمن نسبت به نایمن بیشتر است.

ثبات دلبستگی سردرگم و آشفته بسیار بالاست که سالها ادامه می یابد.

عوامل تاثیرگذار بر دلبستگی

۱- فرصت برقرار کردن رابطه نزدیک

۲- کیفیت مراقبت

۳- خصوصیات کودک

۴- موقعیت خانواده

* بچه هایی که خلق و خوی آنه از لحاظ هیجانی واکنش پذیر و دشوار است به احتمال بیشتری بعداً دلبستگی نایمن را پرورش می دهند.

* توانایی قابل ملاحظه نوزادان در ادراک چند وجهی به پدیدار شدن خودآگاهی کمک می کند.
* تشخیص خود، کودکان نوپا در سال دوم به صورت هشیار از ویژگی های جسمانی خود آگاه می شوند.

در حدود ۲ سالگی تشخیص خود در جریان شکل گیری است. بکار بردن ضمیر شخصی رخ می دهد.

خودآگاهی با پدیدار شدن همدلی ارتباط دارد. همدلی عبارت است از توانایی درک کردن حالت هیجانی دیگران و احساس کردن با آنها، یا پاسخ دادن به صورت هیجانی به شیوه مشابه.

طبقه بندی خود بین ۸ تا ۲۰ ماهگی به عنوان خود قطعی صورت می گیرد.

نوباوگان بین ۱۲ تا ۱۸ ماهگی قادر به اطلاعات برای اولین بار خواهند بود.

به تعویق انداختن خشنودی: بین ۱/۵ تا ۳ سالگی

فصل هفتم

رشد جسمانی و شناختی در اوایل کودکی

دو تا شش سالگی را اغلب «سالهای بازی» نامیده می شود.

*رشد جسمانی در مقایسه با میزان سریع ۲ سال اول، کاهش می یابد.

*مغز بین ۲ تا ۶ سالگی از ۷۰ درصد به ۹۰ درصد وزن خود در بزرگسالی افزایش می یابد.

*ارزیابی EEG FMR۱ از فعالیتهای عصبی در مناطق مختلف مغز، افزایش سریع را از ۳ تا ۶ سالگی در قطعه پیشانی نشان می دهند. که وظیفه برنامه ریزی و سازمان دهی رفتار را برعهده دارد.

در بسیاری از کودکان ، نیمکره چپ مغز بین ۳ تا ۶ سالگی بسیار فعال است. در طول اوایل و اواسط کودکی فعالیت در نیمکره راست به طور یکنواخت افزایش می یابد.

*تخصصی شدن نیمکره های مغز را جانبی شدن می گویند.

*کودکان در پایان سال اول، معمولاً دست برتری را نشان می دهند. دست برتری توانایی بیشتر یک طرف مغز- که اغلب نیمکره مغزی مسلط فرد نامیده می شود. در انجام دادن عمل حرکتی ماهرانه را منعکس می کند.

*فرزندان والدین چپ دست به احتمال کمی چپ دست می شوند.

مخچه: در پشت و پایین مغز قرار دارد، ساختاری است که به تعادل و کنترل حرکت بدن کمک می کند.

ساخت شبکه ای: ساختاری در ساقه مغز که بیداری (گوش به زنگ بودن) و هشیاری را حفظ می کند.

جسم پینه ای: دسته بزرگی از رشته های عصبی است که دو نیمکره مغز را متصل می کند. جسم پینه ای به هماهنگی آرام در هر دو طرف بدن و ادغام چند جنبه از تفکر، از جمله ادراک، توجه، حافظه، زبان و حل مسئله کمک می کند. هر چه یک تکلیف دشوارتر باشد، ارتباط بین دو نیمکره اهمیت بیشتری دارد.

عوامل تاثیرگذار بر رشد جسمانی

* غده هیپوفیز که در پایه مغز قرار دارد، با آزاد کردن دو هورمون که موجب رشد می شود نقش مهمی را ایفا می کند. اولی هورمون رشد (GH) است که از تولد به بعد برای رشد تمام بافت های بدن به جزء دستگاه عصبی مرکزی و اندام های تناسلی ضروری است. هورمون دیگر هیپوفیز هورمون غده تیروئید (TSH)، غده تیروئید (در گردن) را برای آزاد کردن تیروکسین تحریک می کند. که برای رشد مغز و تاثیر کامل هورمون رشد بر اندازه بدن ضروری است.

* محرومیت هیجانی شدید می تواند در تولید هورمون رشد اختلال ایجاد کند و به کوتولگی اجتماعی - روانی، نوعی اختلال رشد که معمولاً بین ۲ تا ۱۵ سالگی آشکار می شود. منجر می شود، خصوصیات مشکلات سازگاری جدی که کوتولگی روانی - اجتماعی را از کوتاه قامتی عادی متمایز می کنند.

* آسیب های غیر عمدی، علت اصلی مرگ و میر کودکان در کشورهای صنعتی هستند.

تغییرات در مهارت های حرکتی درشت و ظریف در طول اوایل کودکی

۲ تا ۳ سالگی: پریدن، لی لی کردن، از قاشق به نحو کارآمدتری استفاده می کنند، لباس های ساده می پوشند زیپ های بلند را بالا یا پایین می کشد.

۳ تا ۴ سالگی: از پله ها بالا می رود، توپ را به سینه گرفته پرت می کند، سه چرخه را رکاب می زند و هدایت می کند. دکمه های بزرگ را می بندد، از قیچی استفاده می کند، خطوط عمودی و دایره را کپی می کند. اولین تصور را از انسان نقاشی می کند.

۴ تا ۵ سالگی: توپ را با چرخش بیشتر بدن و انتقال وزن روی پاها پرتاب می کند. از چنگال به نحو کارآمدی استفاده می کند، با دنبال کردن یک خط قیچی می کند، مثلث و برخی حروف را کپی می کند.

۵ تا ۶ سالگی: دو چرخه را با چرخهای آموزشی می راند، الگوهای پرتاب کردن و گرفتن پخته تری را نشان می دهد. از چاقو برای بریدن غذای نرم استفاده می کند. بند کفش را می بندد، تصور انسان با شش قسمت را نقاشی می کند. برخی اعداد و کلمات ساده را کپی می کند.

توالی رشد نقاشی

۱- خط خطی کردن: تقریباً ۱۸ ماهگی

۲- اولین شکل‌های بازنمایی ذهنی: در حدود ۳ سالگی خط خطی کردن کودکان به تصاویر تبدیل می شوند.

۳- نقاشی های واقعی تر: کودکان ۵ تا ۶ ساله نقاشی های پیچیده تری می کشند.

رشد شناختی

نظریه پیاژه : مرحله پیش عملیاتی

هنگامی که کودکان از مرحله حسی- حرکتی به مرحله پیش عملیاتی می رسند که از ۲ تا ۷ سالگی ادامه دارد .

واضح ترین تغییر، افزایش فوق العاده در فعالیت بازنمایی ذهنی، یا نمادی است.

پیاژه خاطر نشان ساخت که زبان انعطاف پذیرترین وسیله بازنمایی ذهنی ماست.

*به رغم توانایی زبان، پیاژه آن را عنصر اصلی در تغییر شناختی کودکی نمی دانست. در عوض او معتقد بود که فعالیت حسی- حرکتی به تصورات درونی از تجربه منجر می شود که کودکان بعداً با کلمات آن را نام می برند.

*کودکان خردسال از طریق وانمود کردن، طرحواره های بازنمایی ذهنی را که به تازگی فرا گرفته اند تمرین و نیرومند می کنند.

*بازی کمتر خود محور می شود. و ترکیبات پیچیده تر طرحواره را شامل می شود.

*بازی اجتماعی – نمایشی: در ۲/۵ سالگی شروع می شود.

*به عقیده پیازه کودکان خردسال قادر به **عملیات** نیستند ← اعمال ذهنی که از قواعد منطقی پیروی می کنند.

در عوض تفکر آنها انعطاف ناپذیر و در هر لحظه به یک جنبه از موقعیت محدود است و قویاً تحت تاثیر نحوه ای که چیزها در لحظه نمایان می شوند قرار دارد.

*به عقیده پیازه، اساسی ترین نارسایی تفکر پیش عملیاتی، خود محوری است .

ناتوانی در تشخیص دادن نقطه نظرهای نمادی دیگران از نقطه نظرهای خویشان.

*خودمحوری مسئول تفکر جاندار پنداری کودکان پیش عملیاتی است.

این عقیده که اشیا بی جان از ویژگیهای جاندار، مانند افکار، امیال، احساسات و مقاصد برخوردار هستند.

ناتوانی در نگهداری ذهنی

نگهداری ذهنی به این مفهوم اشاره دارد که برخی از خصوصیات مادی اشیاء حتی زمانی که ظاهر بیرونی آنها تغییر کند، ثابت می مانند.

ناتوانی در نگهداری ذهنی چند جنبه مرتبط تفکر کودکان پیش عملیاتی را نشان می دهد.

اولاً آگاهی آنها متمرکز است یا با **تمرکز گرایی** مشخص می شود.، آنها روی یک جنبه از موقعیت تمرکز می کنند، و ویژگیهای مهم دیگر را نادیده می گیرند .

ثانیاً، **دگرگونی** پویا بین تغییرات نادیده گرفته می شوند.

مهمترین ویژگی غیر منطقی تفکر پیش عملیاتی، **برگشت ناپذیری** آن است، یعنی ناتوانی در طی کردن یک سری مراحل در یک مسئله و بعد تغییر جهت دادن و برگشتن به نقطه شروع.

دستاوردهای شناختی اوایل کودکی

۲ تا ۴ سالگی

در موقعیت های ساده و آشنا دیدگاه دیگران را درک می کنند.
موجودات جاندار را از اشیاء بی جان تشخیص می دهد.
نگهداری ذهنی را درک می کند. روابط علت و معلولی را در موقعیتهای آشنا درک می کنند.
طبقه بندی و دسته بندی و ظاهر را از واقعیت تشخیص می دهد.

۴ تا ۷ سالگی

مسئله های ظاهری – واقعی کلامی را حل می کند.

پیاژه و آموزش :

۱- یادگیری اکتشافی

۲ - حساسیت به آمادگی کودکان برای یادگیری

۳ - پذیرفتن تفاوت های فرعی

نظریه اجتماعی-فرهنگی ویگوتسکی

گفتار خصوصی: ویگوتسکی گفتار خصوصی را به صورت شالوده ای برای خرید فرایندهای شناختی عالی تر، از جمله توجه کنترل شده، حفظ کردن و یادآوری عمدی، طبقه بندی، برنامه ریزی، حل مسئله و تامل کردن در نظر داشت. پیاژه گفتار خصوصی را گفتار خود محوری دانست.

گفتار درونی: گفتاری که معطوف به خود خردسال بوده، درونی و بی صدا است.

گفتار خصوصی ← منشا اجتماعی دارد.

*دربست زدن (پشتیبانی): تنظیم کردن کمک در طول جلسه آموزش برای متناسب شدن یا سطح فعلی عملکرد کودک.

ویگوتسکی و آموزش:

کشف یاری شده یا روش اکتشافی هدایت شده.

اصطلاح مشارکت هدایت شده که مفهوم کلی تر داربست زدن (پشتیبانی) است.

*پیاژه خیلی بیشتر از ویگوتسکی به رشد فرآیند های شناختی اساسی توجه کرد.

***توجه و برنامه ریزی** نسبت به دوره نوبارگی در اوایل کودک و طول آن بهبود می یابد.

حافظه:

یادآوری بهتر در اوایل کودکی ، ارتباط نیرومندی با رشد زبان دارد که باز نمایی های ذهنی با دوام تجربیات گذشته را به مقدار زیاد بهبود می بخشد.

کودکان به ندرت از راهبردهای حافظه استفاده می کنند.

*فراخوانی رقم در ۲/۵ سالگی دو رقم و در ۷ سالگی پنج رقم است.

حافظه مربوط به تجربیات روزمره در کودکان فعال است.

حافظه مخصوص رویدادهای آشنا ← در قالب متن یادآوری می شوند. متن ها توصیفاتی کلی از آنچه که در موقعیت خاص و زمان خاصی روی می دهند هستند.

حافظه مخصوص رویدادهای مربوط به دوران گذشته ← حافظه زندگینامه ای

نظریه ذهن کودک خردسال

حرکت به سمت ساختن نظریه ذهن – فرا شناخت (فکر کردن درباره فکر)

کودکان در ۳ سالگی می فهمند که تفکر در درون سر آنها قرار دارد. آنها فکر می کنند که افراد همیشه هماهنگ با اعمالشان رفتار می کنند. و نمی فهمند که حالتهای ذهنی نه چندان واضح و تفسیری، مانند عقاید نیز بر رفتار تاثیر می گذارند.

*در بین کودکان دارای پیشینه اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی مختلف درک کردن عقیده غلط بین ۴ تا ۶ سالگی نیرومند می شود.

*زبان ، توانایی شناختی، بازی ،وانمود کردن و تجربیات اجتماعی همگی در نظریه ذهن کودکان مشارکت دارند.

*کودکان نمی فهمند که استنباط های ذهنی می توانند منبع آگاهی باشند.

*کودکان نوپا بین ۱۴ تا ۱۶ ماهگی نشان می دهند که در آغاز درک ترتیبی یا روابط ترتیبی بین کمیت ها قرار دارند. برای مثال سه از دو و دو از یک بیشتر است. در مقابل کودکان ۲/۵ تا ۳/۵ ساله می فهمند که عدد به کمیت منحصر به فردی اشاره دارد .

اینکه وقتی عدد تغییر می کند (برای مثال از پنج به شش) تعداد ارقام نیز باید تغییر کند.

*اغلب کودکان در ۳/۵ تا ۴ سالگی بر معنی اعداد تا ۱۰ تسلط می یابند، درست شمارش می کنند و به اصل مهم اصلی بودن پی می برند- اینکه آخرین عدد در یک زنجیره قابل شمارش بیانگر تعداد کل آن مجموعه است.

رشد زبان

*در ۲ سالگی، گنجینه لغات مشتمل بر ۲۰۰ کلمه است. در ۶ سالگی ۱۰۰۰۰ کلمه

*کودکان پیش دبستانی فقط بعد از یک مواجهه کوتاه، می توانند کلمات تازه را به مفاهیم زیر بنایی خود ربط دهند. فرایندی که ربط دادن سریع نامیده می شود.

*کودکان ابتدا بزرگ - کوچک و بعداً بلند- کوتاه، بالا- پایین و پهن- باریک را اکتساب می کنند.

*کودکان پیش دبستانی معنی کلمات جدید را به وسیله مقایسه کردن آنها با کلماتی که از قبل می-دانند درک می کنند اما اینکه آنها چگونه می فهمند که هر کلمه چه مفهومی می یابد هنوز کاملاً روشن نشده است. کودکان در اوایل رشد واژگان از گرایش یا این یا آن برخوردارند.

*بعد از اینکه کودکان شاخصهای ساده دستور زبان را اکتساب کردند. گاهی آنها را به کلمه هایی که استثناء هستند. بی اندازه گسترش می دهند. که به این خطای تنظیم مفرط گفته می شود. «ماشین من شکست» «هر یک از ما دو تا پا داریم» اظهاراتی هستند که بین ۲ تا ۳ سالگی مشاهده می شوند.

*بزرگسالان معمولاً با استفاده از دو راهبرد، در مورد دستور زبان بازخورد غیر مستقیم می دهند تغییر شکل، بازسازی گفتار نادرست، و گسترش دادن گفتار کودکان و افزایش دادن پیچیدگی آن.

فصل هشتم

رشد هیجانی و اجتماعی در اوایل کودکی

نظریه اریکسون: ابتکار عمل در برابر احساس گناه

کودکان خردسال احساس تازه هدفمندی دارند. آنها دوست دارند از پس تکالیف جدید برآیند، به فعالیتهایی با همسالان ملحق شوند، و ببینند با کمک بزرگسالان چه کاری می توانند انجام دهند. آنها در رشد وجدان نیز پیشرفت می کنند.

خود دو جنبه دارد:

۱. خود فاعل، یا خود دانا و عمل کننده، آگاهی از این موضوع را در بردارد که خود از دنیای پیرامون مجاز است، با گذشت زمان تغییری نمی کند؛ زندگی خصوصی و درونی دارد که دیگران به آن دسترسی ندارند، و افکار و اعمال خویش را کنترل می کند.

۲. خود مفعولی، یا خود به عنوان مفعول دانش، از تمام ویژگیهایی تشکیل می شود که خود را منحصر به فرد می سازند- خصوصیات جسمانی و داراییها با خصوصیات روان شناختی، از جمله امیال، نگرش ها، عقاید و صفات شخصیت و خصوصیات اجتماعی، مانند نقش ها و روابط با دیگران.

*هر دو جنبه خود در ۲ سال اول نمایان می شوند.

حرکت از خود فاعلی به سمت خود مفعولی در دوره کودکی سبب شکل گیری خود پنداره می شود. (۳ تا ۵ سالگی)

خود پنداره: یک رشته صفات، توانایی ها، نگرشها و ارزشهایی است که فرد معتقد است او را توصیف می کنند.

پیدایش عزت نفس

عزت نفس قضاوتهایی است که درباره ارزش خود و احساسهای مرتبط با این قضاوتها می کنیم.

*کودکان بین ۲ تا ۶ سالگی در تواناییهای هیجانی پیشرفتهایی می کنند که پژوهشگران جمعاً آنها را **شایستگی هیجانی** می نامند.

* کودکان پیش دبستانی اغلب هیجان های خودآگاه و همدلی را تجربه می کنند که به درک اصول اخلاقی در حال رشد آنها کمک می کنند. تربیت قویاً بر شایستگی هیجانی کودکان پیش دبستانی تاثیر دارد.

*شایستگی هیجانی شامل، آگاهی هیجانی، خودگردانی هیجانی، کنار آمدن با هیجانهای منفی شدید.

*کودکان در ۴ تا ۵ سالگی در مورد علت های تعدادی از هیجانهای اصلی قضاوت درست می کنند. او غمگین است زیرا دلش برای مادرش تنگ شده. توجیهات بیشتر بر عوامل بیرونی تاکید دارند تا درونی.

خودگردانی هیجانی: زبان به بهبود خودگردانی هیجانی نیز کمک می کند. کودکان در ۳ تا ۴ سالگی برای تنظیم کردن برانگیختگی هیجانی خود در سطح آرامش بخش از انواع راهبردها استفاده می کنند.

*در سه سالگی، هیجانهای خودآگاه با ارزیابی خود ارتباط روشنی پیدا می کنند.

*همدلی: رفتار نوع دوستانه و اعمالی که دیگران از آن بهره مند می شوند. بدون اینکه خود فرد انتظار هر گونه پاداشی داشته باشد. (قابل آموزش است)

*همدردی: احساس های نگرانی یا تاسف خوردن برای مصیبت دیگران. (قابل آموزش است).

مایلدرد پارتن معتقد است رشد اجتماعی سه مرحله دارد:

۱-فعالیت غیر اجتماعی

۲- بازی موازی

۳- فعالیت اجتماعی:

➤ بازی ارتباطی- فعالیتها جداگانه، اسباب بازیها به اشتراک گذاشته می شود.

➤ بازی مشترک

نظریه روان کاوی بر جنبه هیجانی رشد و جوان، مخصوصاً بر همانند سازی و احساس گناه به عنوان برانگیزانده رفتار خوب تاکید می ورزد .

نظریه یادگیری اجتماعی بر رفتار اخلاقی و نحوه ای که از طریق تقویت و سرمش گیری آموخته می شود تمرکز دارد و دیدگاه شناختی - رشدی بر تفکر، یعنی بر توانایی کودکان در استدلال کردن درباره عدالت و انصاف تاکید دارد.

*کودکان خردسال فراخود یا وجدان را به وسیله همانند سازی، با والد هم جنس که معیارهای اخلاقی او را می پذیرند تشکیل می دهند .

فروید معتقد بود که رشد اخلاقی عمدتاً در ۵ تا ۶ سالگی به انجام می رسد.

*انضباط القایی هم بر شکل گیری وجدان کمک می کند. نوعی انضباط که به موجب آن تاثیرات بدرفتاری کودک بر دیگران به او انتقال داده می شوند.

برخی خصوصیات الگوها که بر تمایل کودک به تقلید کردن تاثیر دارند:

۱- صمیمیت و پذیرا بودن

۲- شایستگی و قدرت

۳- هماهنگی بین تاکیدها و رفتارها

*روش محروم کردن بجای تنبیه خشن: به این صورت اجرا می شود که کودکان را از موقعیت فعلی دور می کنند- برای مثال با فرستادن آنها به اتاقشان - تا اینکه برای عمل کردن به صورت مناسب آمادگی داشته باشند.

حذف کردن امتیازات روش دیگر مطلوب است.

کودکان در حدود ۴ سالگی می توانند راستگویی را از دروغگویی تشخیص دهند.

شکل گیری پرخاشگری

رایج ترین پرخاشگری، پرخاشگری وسیله ای است که به موجب آن کودکان چیزی امتیازی یا جایی را می خواهند و برای به دست آوردن آن کسی را که سد راه آنهاست هل می دهند. بر سر او فریاد می کشند یا به او حمله می کنند.

نوع دیگر که پرخاشگری خصمانه است به قصد صدمه زدن به دیگران صورت می گیرد.

۱. جسمانی ۲. کلامی ۳. رابطه ای

نقش یابی جنسی

به هرگونه ارتباط اشیاء خطاها نقش ها یا صفات با جنسیت اشاره دارد که از کلیشه های فرهنگی تبعیت می کنند.

در سه سالگی کودکان هم جنس یکدیگر را برای بازی در متناسب با جنسیت با تحسین و تقلید تقویت می کنند.

هویت جنسی

برداشتی از خویشتن که از نظر خصوصیات تا اندازه ای مردانه یا زنانه است.

*طبق نظریه یادگیری ← سرمشق گیری و تقویت ← شکل گیری عقاید در رابطه با

هویت

طبق نظریه شناختی- رشدی : خود پنداره قبل از رفتار واقع می شود. آنها ثبات جنسیت را پرورش می دهند. یعنی آگاهی از اینکه جنسیت مبنای زیستی دارو حتی در صورتی که پوشاک آرایش موو فعالیت های بازی تغییر کنند. ثابت می ماند.

نظریه طرحواره جنسی: یک رویکرد پردازش اطلاعات به نقش یابی جنسی است که ویژگی های یادگیری اجتماعی و شناختی رشدی را ترکیب می کند.

این نظریه توضیح می دهد که چگونه فشارهای محیطی و شناخت کودکان با هم به شکل گیری نقش جنسی کمک می کنند.

شیوه های فرزند پروری

۱. **فرزند پروری مقتدرانه:** موفق ترین روش فرزند پروری است. پذیرش و روابط نزدیک روش های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب را شامل می شود. کنترل قاطع و معقولی را اعمال می کنند. هنگام اختلاف نظر تصمیم گیری مشترکی صورت می گیرد.
 ۲. **مستبدانه:** از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است. فرزندان والدین مستبد مضطرب و ناخشنود هستند. عزت نفس و اتکا به نفس پایینی دارند.
 - والدین مستبد به **کنترل شناختی** نیز روی می آورند که به موجب آن در ابراز کلامی فردیت و دلبستگی کودکان به والدین دخالت کرده و در آنها دخل و تصرف می کنند. و به جای کودک تصمیم می گیرند.
 ۳. **آسان گیرانه:** مهرورز و پذیرا هستند. ولی متوقع نیستند. کنترل کسی بر رفتار فرزندان خود اعمال می کنند و به آنها اجازه می دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم بگیرند حتی هنوز قادر به انجام آن نباشند.
 - والدین به توانایی خود بر تاثیر گذاشتن بر فرزندان اطمینان و اعتقاد ندارند.
 - فرزندان والدین آسان گیر تکانشی، سرکش و نافرمان هستند. وابسته و پرتوقع اند.
 ۴. **بی اعتنا:** پذیرش و روابط خوب کم را با کنترل کم و بی تفاوتی کلی نسبت به استقلال دادن ترکیب می کند. از لحاظ هیجانی جدا و افسرده هستند. غفلت در این خانواده ها دیده می شود.
- * فرزندان خودگردانی هیجانی ضعیف، مشکلات پیشرفت تحصیلی و رفتار ضد اجتماعی دارند. توقعات کمی دارند یا اصلاً ندارند. نسبت به تصمیم گیری و نقطه نظر کودک بی تفاوت است.

فصل نهم

رشد جسمانی و شناختی

در اواسط کودکی ۶ تا ۱۱ سالگی

رشد جسمانی

*الگوی رشد آهسته و منظم در ۹ سالگی دختران نسبت به پسران رشد بیشتری دارند.

شایع ترین مشکل بینایی در اواسط کودکی **میوپی یا نزدیک بینی** است.

*چاقی: یعنی ۲۰ درصد افزایش بالاتر از وزن متوسط بدن براساس سن جنسیت و جثه فرد

*مرگ و میر در اثر آسیب از اواسط کودکی تا نوجوانی افزایش می یابد. و میزان آن در پسرها بیشتر از دخترهاست.

- کودکان در دوسال اول دوره ابتدایی بیشتر از دوران بعدی بیمار می شوند.
- رایج ترین علت غیبت کودکان از مدرسه آسم است.
- در اواسط کودکی عفونت های گوش میانی کمتر شایع هستند.
- انعطاف پذیری، تعادل ، چالاکی و نیرو نسبت به دوره قبل بیشتر است.
- همراه با رشد بدن، **پردازش اطلاعات کارآمدتر** نقش مهمی در بهبود عملکرد حرکتی دارد.
- بازی های قانونمند شکل می گیرد.
- بازی جنگ و دعوا که ریشه در تکامل دارند در سال های پیش دبستانی آغاز و در اواسط کودکی به اوج می رسد.

رشد شناختی

نظریه پیاژه: مرحله عملیات عینی

از ۷ تا ۱۱ سالگی ادامه دارد و نقطه عطفی را در رشد شناختی نشان می دهد. تفکر خیلی بیشتر منطقی انعطاف پذیر و منظم تر از گذشته است.

نگهداری ذهنی:

اعمال ذهنی که از قواعد منطقی تبعیت می کنند.

*تمرکز زدایی: تمرکز روی چند جنبه از پدیده ها

*برگشت پذیری: توانایی فکر کردن به یک رشته مراحل و بعد تغییر جهت دادن ذهنی و برگشتن به نقطه آغاز.

طبقه بندی کردن (۷ تا ۱۰ سالگی)

* ردیف کردن: توانایی مرتب کردن چیزها طبق بعد کمیت، مانند طول و وزن ردیف کردن نامیده می شود.

کودکی که در مرحله عملیات عینی قرار دارد می تواند به صورت ذهنی نیز ردیف کند که این توانایی استنباط فرارونده نامیده می شود.

استدلال فضایی

کودکان در پایان اواسط کودکی، نظری کلی از فضای بزرگ را تشکیل می دهند.

محدودیت مهم عملیات عینی

کودکان فقط در صورتی می توانند به طور منظم و منطقی فکر کنند که با اطلاعات عینی سروکار داشته باشند که بتوانند مستقیماً آنها را مشاهده کنند.

کودکان مرحله عملیات عینی به اصول منطقی کلی دست نمی یابند در عوض آنها منطق هر مسئله را به طور جداگانه درک می کنند.

دیدگاه پردازش اطلاعات درباره تفکر عملیات عینی

شماری از نو پیازه ها معتقدند که رشد تفکر عملیاتی را بر حسب افزایش سرعت پردازش اطلاعات بهتر از انتقال ناگهانی به مرحله جدید می توان درک کرد.

رابطه کیس اظهار داشت طرحواره های شناختی در اثر تمرین به توجه کمتری نیاز دارند و خودکارتر می شوند و این فضا را در حافظه فعال باز می کند. تا کودکان بتوانند روی ترکیب کردن طرحواره های قدیمی و به وجود آوردن طرحواره های جدید تمرکز کنند.

بعد از اینکه طرحواره های مرحله پیاژه به قدر کافی خودکار شدند. حافظه فعال آنها را در بازنمایی بهتر ادغام می کند .

در نتیجه، کودکان **ساختارهای مفهومی اساسی** را فرا می گیرند. شبکه مفاهیم و ارتباط هایی که به آنها امکان می دهد تا در مورد انواع موقعیت ها به نحو موثرتری فکر کنند. این ساختارهای مفهومی اساسی که از ادغام کردن طرحواره های عملیات عینی حاصل می شوند. اصول قابل اجرایی هستند که به استدلال پیچیده و منظمی منجر می شوند.

پردازش اطلاعات

- بین ۶ تا ۱۲ ساعت سرعت و توانایی پردازش اطلاعات افزایش می یابد. بعلاوه میلیون دار شدن و کاهش سیناپسی در مغز است.
- فراخوانی رقم، که گنجایش حافظه فعال را ارزیابی می کند، از حدود ۴ رقم در ۷ سالگی به ۷ رقم در ۱۲ سالگی افزایش می یابد.
- افزایش بازداری. توانایی کنترل کردن محرک های منحرف کننده درونی و بیرونی از نوباوگی به بعد افزایش می یابد.

توجه:

توجه در اواسط کودکی گزینشی تر، انعطاف پذیرتر و برنامه دارتر می شود .
اولاً کودکان بهتر می توانند به فقط آن دسته از جنبه های موقعیت توجه کنند که به هدف آنها مربوط هستند .
ثانیاً کودکان دبستانی به طور انعطاف پذیری توجه خود را با ضروریات تکلیف منطبق می کنند .

ثالثاً برنامه ریزی در اواسط کودکی به مقدار زیاد بهتر می شود . کودکان دبستانی تصاویر مشروح و مطالب نوشتاری را برای یافتن شباهتها و تفاوتها، دقیقتر از کودکان پیش دبستان بررسی می کنند.

راهبردهای حافظه

دو راهبرد حافظه مرور ذهنی و سازمان دهی هستند. مرور ذهنی، تکرار کردن اطلاعات برای خودش و سازمان دهی یعنی دسته بندی اقلام مرتبط با هم . روشی که یادآوری را به نحو چشمگیری افزایش می دهد.

یکی دیگر از راهبردهای حافظه استفاده از گسترش (بسط)، کودکان در پایان اواسط کودکی، استفاده از راهبرد گسترش را آغاز می کنند به وجود آوردن رابطه یا معنی مشترک، بین دو قطعه اطلاعات یا بیشتر که اعضای یک طبقه نیستند.

چون سازمان دهی و گسترش، اقلامی را در قطعه های معنی دار ترکیب می کنند، به کودکان امکان می دهند تا اطلاعات بیشتری را حفظ کنند. در نتیجه حافظه فعال را بیشتر گسترش می دهند.

نکته:

پرورش دادن مهارتهای حافظه فقط حاصل سیستم پردازش اطلاعات کارآمدتر نیست بلکه به ضروریات تکلیف و شرایط فرهنگی نیز بستگی دارد.

نظریه ذهن کودک دبستانی

توانای بیشتر کودکان دبستانی در فکر کردن به زندگی ذهنی خودشان علت دیگر پیشرفت کردن تفکر آنها است. گسترش استنباط های ذهنی در دوره اواسط کودکی، منجر به درک عقاید کاذب می شود.

خودگردانی شناختی

خودگردانی شناختی کودکان دبستانی خوب نیست. کودکان دبستانی اغلب به سختی می توانند آنچه را که درباره تفکر می دانند به عمل درآورند. خودگردانی شناختی فرایند کنترل کردن مداوم پیشرفت به سمت هدف، واریسی کردن پیامدها و تغییر جهت دادن تلاشهای ناموفق است.

کاربردهای پردازش اطلاعات در مورد یادگیری تحصیلی

روخوانی:

آگاهی واج شناختی: توانایی فکر کردن به ساختار صدای زبان گفتاری و دستکاری آن که با حساسیت نسبت به تغییرات در صداها و تلفظ نادرست نشان داده می شود. پیشرفت در روخوانی را قویاً پیش بینی می کند.

((ترکیب روش زبان کامل و روش آوایی برای آموزش روخوانی مفید واقع خواهد شد))

ریاضیات

ترکیب دو روش درک اعداد و تمرین در آموزش ریاض مفید است.

محتوای نوع جدید آزمون هوش آلفردبینه یعنی مقیاس های هوشی استفورد-بینه از ۲ سالگی تا بزرگسالی عبارتند از :

- هوش عمومی
- دانش عمومی
- استدلال کمی
- پردازش دیداری- فضایی
- حافظه فعال
- پردازش اطلاعات اساسی

مقیاس هوش وکسلر (WISC-IV)

- هوش عمومی
- استدلال کلامی
- استدلال ادراکی (دیداری- فضایی)

- حافظه فعال
- سرعت پردازش

تحلیل اجزایی در هوش: جستجوی روابط بین جنبه های (اجزای) پردازش اطلاعات ونمرات آزمون هوش کودکان، نقطه ضعف این رویکرد اینست که این رویکرد هوش را کلاً ناشی از علت هایی در درون کودک می داند.

رابرت استرنبرگ، رویکرد اجزایی را به صورت نظریه جامعی گسترش داده است که هوش را حاصل عوامل درونی و بیرونی می داند.

نظریه هوش سه جزئی استرنبرگ:

۱-هوش تحلیلی: مهارتهای پردازش اطلاعات

۲-هوش خلاق: توانایی حل کردن مسئله های جدید

۳-هوش عملی: کاربرد مهارتهای عقلانی در موقعیت های روزمره به سمت سازگار شدن با محیطها، شکل دادن و انتخاب کردن و هدف گرا بودن متمایل است.

هوش های چندگانه گاردنر

مبتنی بر مجموعه مجزای عملیات پردازش هوش های مستقل را گاردنی مطرح می کند.

۱- هوش زبانی ← شاعر، روزنامه نگار

۲-منطقی – ریاضی ← ریاضیدان

۳-موسیقیای ← نوازنده، آهنگساز

۴-فضایی ← مجسم سازه دریا نورد

۵-جنبشی – حرکتی ← رقاص، ورزشکار

۶-طبیعت گرا ← زیست شناس

۷-درون مرزی ← روحانیون

۸- میان فردی ← درمانگر، فروشنده

هوش هیجانی:

هوش هیجانی به تفاوت‌های فردی در توانایی پردازش کردن اطلاعات هیجانی و سازگار شدن با آنها اشاره دارد.

والدین با تحصیلات پایین ← سبک ارتباطی مشترک

والدین با تحصیلات بالا ← سبک ارتباطی سلسله مراتبی

رشد زبان

واژگان و دستور زبان به رشد خود در اواسط کودکی ادامه می دهند. اما کمتر از سنین قبل واضح هستند. آنها آگاهی از زبان را پرورش می دهند. واژگان چهار برابر افزایش می یابد و سرانجام از ۴۰۰۰ کلمه فراتر می رود. به طور متوسط ۲۰ کلمه جدید روزانه یاد گرفته می شود. کودکانی که روزی ۲۱ دقیقه به روخوانی مستقل می پردازند.

هر سال تقریباً با ۲ میلیون کلمه رو به رو می شوند. در این دوره کودکان دبستانی می فهمند که کلمات خنک و عالی معنی روان شناختی و مادی دارند.

شواهد پژوهشی زیادی نشان می دهد که دو زبانه بودن پیامدهای مثبتی برای رشد دارد. کودکانی که در دو زبان سیلیس هستند از کودکان دیگر در آزمونهای توجه انتخابی، استدلال تحلیلی، تشکیل مفهوم و انعطاف پذیری شناختی بهتر عمل می کند.

یادگیری در مدرسه

۱- حجم کلاس ۲- فلسفه آموزشی

کلاسهای سنتی در برابر سازه نگر

در کلاسهای سازه نگر دانش آموزان ترغیب می شوند دانش را خود بسازند. (مبتنی بر نظریه پیازه هستند).

کلاسهای اجتماعی - سازه نگر

هرگاه کودکان نظر مثبت یا منفی معلمان را بپذیرند : پیش گویی معطوف به مقصود روی نمی دهد.

هوش بهر بالای ۱۳۰ تعریف سر آمدی است. که استعداد را هم در بر می گیرد. استعداد یعنی عملکرد برجسته در رشته ای خاص.

آموزشی که سطح عالی تفکر را ترغیب می کند علاقه و پیشرفت تحصیلی کودکان را افزایش می دهد. پیش گویی معطوف به مقصود به احتمال زیاد در کلاس هایی یافت می شود که بر رقابت و ارزیابی علنی تاکید دارند.

سرآمدی، هوش بهر بالا، خلاقیت و استعداد را شامل می شود.

فصل دهم

رشد هیجان و اجتماعی

در اواسط کودکی

نظریه اریکسون:

سخت کوشی در برابر احساس حقارت

این تعارض زمانی حل می شود که کودکان در مهارت ها و تکالیف مفید احساس شایستگی کنند.

مفهوم احساس سخت کوشی، چند فرآیند رشد اواسط کودکی را ترکیب می کند: خود پنداره مثبت ولی واقع بینانه، احساس غرور در مورد موفقیت ها، مسئولیت اخلاقی و همکاری با همسالان.

خودآگاهی

کودکان در اواسط کودکی می توانند خود را برحسب صفات روان شناختی توصیف کنند. خصوصیات خود را با خصوصیات همسالان مقایسه کنند. و در مورد علت های نقاط ضعف و قوت

خود تامل کنند. این دگرگونی در خودآگاهی، تاثیر مهمی بر عزت نفس کودکان دارد. این کودکان به جای رفتارهای خاص، روی توانایی ها تاکید می کنند.

*خود وصفی ها ناشی از ← مقایسه های اجتماعی: قضاوت در برابر ظاهر، توانایی ها و رفتارهای آنها در مقایسه با دیگران.

رشد شناختی بر تغییر ساختار خود تاثیر می گذارد و خود پنداره تقویت و رشد می کند.

تغییر محتوای خود پنداره حاصل توانایی های شناختی و باز خورد از دیگران است.

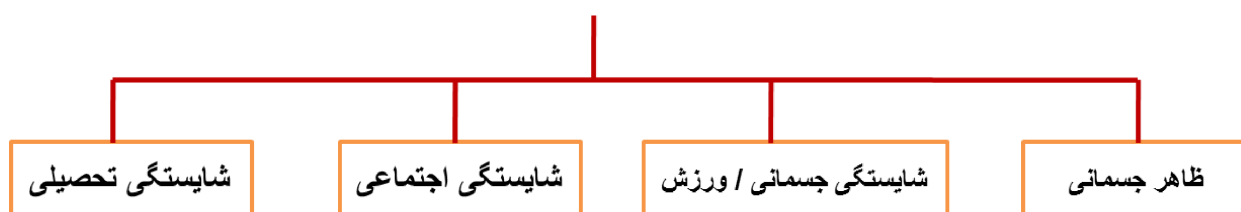
هنگامی که کودکان انتظارات دیگران را درونی می کنند. خود آرمانی را تشکیل می دهند. که برای ارزیابی خود واقعی از آن استفاده می کنند.

اختلاف زیاد بین خود آرمانی و خود واقعی می تواند عزت نفس را تضعیف کند و به غمگینی، نا امیدی و افسردگی منجر شود.

عزت نفس

عزت نفسی که بصورت سلسله مراتبی سازمان یافته است.

عزت نفس



عزت نفس در دو سال ابتدایی کاهش و بعد از آن افزایش می یابد.

عوامل تاثیر گذار بر روی عزت نفس

۱- فرهنگ

۲- روش های فرزند پروری

۳- انتساب های مرتبط با پیشرفت

عزت نفس پایین در تمام زمینه ها با اضطراب، افسردگی و افزایش رفتار ضد اجتماعی ارتباط دارد. بهترین راه برای تقویت کردن خود انگاره مثبت و ایمن، این است که کودکان را ترغیب کنیم برای هدف های ارزشمند تلاش کنند.

کسانی که عزت نفس و انگیزش تحصیلی بالایی دارند **انتساب های تسلط گرا** می کنند یعنی موفقیت را به توانایی نسبت می دهند. در مقابل کودکان درمانده (درماندگی آموخته شده) شکست های خود را به توانایی و موفقیت های خود را به عوامل بیرونی نسبت می دهند.

والدین بیشترین تاثیر را در انتساب های مرتبط با پیشرفت دارند.

برای رفع درماندگی آموخته شده از **بازآموزی انتسابی** استفاده می کنند.

رشد هیجان

هیجان های خودآگاه مبتنی بر مسئولیت پذیری و احساس غرور و در مقابل آن احساس گناه است.

آگاهی هیجانی

آگاهی کودک دبستانی از فعالیت ذهنی بدان معنی است که آنها بر خلاف کودکان پیش دبستانی هیجان ها را با اشاره به حالت های درونی به جای حالت های بیرونی، مانند افکار شاد یا غم انگیز توضیح می دهند.

خودگردانی هیجانی

اغلب کودکان در ۱۰ سالگی بین دو راهبرد مشکل مدار و کنار آمدن هیجان مدار جا به جا می شوند.

هنگامی که خود گردانی هیجانی کاملاً رشد می کند. کودکان دبستانی احساس کارآیی هیجانی را کسب می کنند. احساس کارایی هیجانی خود انگاره مطلوب و نگرش خوشبینانه را پرورش می دهد که به کودکان کمک می کند تا با چالش های هیجانی رو به رو شوند.

شکل گیری درک کردن دیدگاه دیگران

توانایی تجسم کردن آنچه دیگران ممکن است به آن فکر و درباره آن احساس کنند.

مراحل درک دیدگاه سلمن

سطح صفر: درک دیدگاه نا متمایز ← ۳ تا ۶ سالگی ← تفاوت بین افکار خود و دیگران را قاطی می کنند.

سطح ۱: درک دیدگاه اجتماعی-اطلاعاتی ← ۴ تا ۹ سالگی ← علت دیدگاه های مختلف این است که افراد به اطلاعات متفاوتی دسترسی دارند.

سطح ۲: درک دیدگاه خودنگرانه ← ۷ تا ۱۲ سالگی ← «پا در کنش دیگری کنند» درک دیدگاه دیگران

سطح ۳: درک دیدگاه شخص ثالث ← ۱۰ تا ۱۵ سالگی ← فراتر از درک دیدگاه خود و دیگران می روند.

سطح ۴: درک دیدگاه اجتماعی ← ۱۴ سالگی تا بزرگسالی ← دیدگاه ها تحت تاثیر از نسل های اجتماعی

رشد اخلاقی

آموختن عدالت از طریق سهیم شدن: نوعی عدالت توزیعی که می گوید کالاهای ساری به صورت منصفانه تقسیم شوند.

کودکان در اواسط کودکی عقاید پخته تری را درباره عدالت توزیعی ابراز می کنند. استدلال آنها طبق یک توالی سه مرحله ای با سن رشد می کند:

۱. برابری دقیق (۵ تا ۶ سالگی): برابری توزیع

۲. امتیاز (۶ تا ۷ سالگی): تلاش بیشتر امتیاز بیشتر، کار استثنایی امتیاز بیشتر.

۳. برابری و احساس (در حدود ۸ سالگی): افراد محروم باید مورد عنایت خاص قرار گیرند.

آگاهی اخلاقی، اجتماعی-عرفی

* درک انعطاف پذیری از مقررات اخلاقی دارند. دیگر نمی گویند راست گفتن همیشه خوب و دروغ گفتن همیشه بد است.

*کودکان با افزایش سن این را نیز تشخیص می دهند که مقاصد افراد و موقعیت های اعمال آنها بر تلویحات اخلاقی تخلف از آداب اجتماعی تاثیر می گذارند.

➤ آگاهی از حقوق فردی

➤ آگاهی از تنوع و نا برابری

در اواسط کودکی، جامعه همسالان به طور فزاینده ای بستر مهمی برای رشد می شود.

نقش یابی جنسی

بیشتر در تعامل با بزرگسالان شکل می گیرد.

تاثیرات خانواده بر رشد هیجانی

والدین کارآمد برای واگذاری مسئولیت ها تنظیم مشترک را به کار می برند. یعنی نوعی سرپرستی انتقالی که به موجب آن نظارت کلی دبر کودکان دارند. و در عین حال به آنها اجازه می دهند که مسئولیت تصمیم گیری های خود را بر عهده بگیرند.